

چکیده

علم در لغت به معنای نشان دار کردن، علامت گذاشتن و درک کردن است.

ارزش علم برای همه روشن است و هر انسانی فطرتاً علم را دوست دارد و در مقابل علم و عالم، خاضع است،

خدای متعال دانش را سبب کلی برای آفرینش همه عالم قرار داده و این اندازه از فخر در حق دانش کافی است دانش را بالاترین شرافت و بزرگ‌ترین عزت برای فرزند آدم قرار داده و نخستین منتهی که پس از آفرینش، منت نهاده، همان نعمت دانش است. علم در هر نوعی چه ساده و چه پیچیده اهمیت دارد. همان طور که حضرت یوسف در پایان کار خویش، مجدداً روی مسأله علم تعبیر خواب تکیه کرده و در کنار آن حکومت بزرگ و بی‌منازع، این علم ظاهراً ساده را قرار می‌دهد که بیانگر تأکید هرچه بیشتر، روی اهمیت و تأثیر علم و دانش است هرچند علم و دانش ساده‌ای باشد علاوه بر این برکاتی که به واسطه‌ی علم برای انسان حاصل می‌شود، امام علی (علیه السلام) کمال دین را در علم آموزی می‌دانند. امام پس از بیان موقعیت و منزلت والای معلم و دانشجو و بزرگداشت و احترام محضر او، از متعلمین درخواست نموده که سخنان استاد را با دل و جان بشنوند و از راهنمایی‌های او استقبال نمایند و فکر و اندیشه خود را کاملاً در اختیارش گذارند و به درس‌های او دقت نمایند؛ مجموع حقوقی را که امام سجاد «علیه السلام» برای معلم نقل می‌کند به طور خلاصه بدین شرح است:

1. تعظیم و تکریم نسبت به استاد
2. کمک جستن از معلم در علم و دانش
3. در هنگام سوال غیر از او، سبقت در جواب نگیر.
4. اگر در نزد تو از استاد بدگوئی شد دفاع کن
5. با دشمن استاد مجالست نکن

آداب و وظایف معلم با شاگردان امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: (شاگرد باید در مقابل استاد تواضع و فروتنی نماید، معلم پدر روحانی است که غذای فکری و روحی را در اختیار شاگرد می‌گذارد، بدین جهت احترام او بر شاگرد لازم است. استاد این غذا را از مسیر قوه سامعه شنوایی در اختیار شاگرد قرار می‌دهد

آداب و وظایف معلم و شاگرد نسبت به خود

1. ضرورت و لزوم اخلاص و پاک‌سازی نیت
2. عمل به علم - یا - لزوم هماهنگی رفتار معلم و شاگرد با علم و آگاهی آنها

آداب و وظایف معلم با شاگردان

1. تشویق یا ایجاد شوه و دل‌بستگی به علم و دانش در شاگردان
 2. لزوم مواسات و دلسوزی معلم نسبت به شاگردان
- باید گفت که بی‌تردید، شاگرد، والاترین و بهترین برادر و بلکه ارجمندترین فرزند معلم است.

آداب و وظایف شاگرد نسبت به معلم خود

- موضوعاتی را که امام سجاد (علیه السلام) در این قسمت از حقوق مورد توجه قرار داده عبارتند از:
1. علم و حکمتی را که استاد فرا گرفته از نعمت‌های خداوندی است، خود او ذاتاً هیچ ندارد بنابراین توجه به این موضوع غرور علمی را از استاد برطرف می‌سازد.
 2. اینکه استاد در این دانش و حکمت، خزانه‌دار دیگران است و باید در تقسیم این خزانه، مهربان و با چهره‌ی باز و گشاده رویی برخورد نماید.
 3. امام سجاد استاد را خزانه‌دار علم و حکمت می‌شناسد و بذل و بخشش از خزانه علم را همچون بذل و بخشش از خزانه مال داشتند نباید در بذل کردن بخل ورزد.

4. اگر استاد به وظیفه عمل کند همچون امانت‌داری است که در حفظ امانت جدی و کوشا در نتیجه استاد باید در را آموزش دانش‌آموز و دانشجو شیوه‌ی نیک و پسندیده‌ای را انتخاب کند که باعث تشویق و ترغیب آنان نسبت به دانش شود. بد اخلاقی، تندخویی و عصبانیت استاد سبب می‌شود که دانشجو از کلاس تردد گردد و چه بسا سبب ترک تحصیل او گردد و در واقع با این عمل ناشایسته استاد نسبت به دانش و علم خود جنبه احتکارگری پیدا کند و نسبت به آموزش شاگردان بخل ورزد

مقدمه:

انسان یا آینه‌ی تمام‌نمای احسن‌التقویم، بلکه موجود عجیب‌الخلقه‌ای که برای همیشه بزرگ‌ترین شاهد و دلیل عظمت آفریدگار جهان است به طور مسلم که عقل و نقل گواه و حاکی هستند مدنی الطبع به دست توانای کردگار عزیز ذات آدم به دست او آفریده شده و شکی نیست که این موجود نیرومند طبعاً نیازمند به اجتماع و معاشرت با هم‌نوعان است، در نتیجه استوارترین وسیله که امور اجتماعی و وضعیت زندگی او را به خوبی اداره می‌کند علم و دانش است و آدمی تا آنجا که توانایی دارد باید در این راه قدم بگذارد و از این نعمت عظمی که خدای متعال به فرزند آدم ارزانی فرموده به نحوی شایسته بر خوردار شود و این سرچشمه، بوستان‌های دل را که لازم است برای همیشه آبادان و سرسبز باشند آبیاری کرده و دقیقه‌ای فرو گذاری ننماید، علم و دانش از جمله موضوعاتی است که پیوسته نظر بزرگان و دانشمندان هر دوره بوده و هر کسی به نوبه خود در این خصوص قلم فرساییه‌ها کرده و مطالبی به نگارش آورده است.

فصل اول علم از دیدگاه آیات و روایات

در فصل اول به بررسی علم از دیدگاه آیات و روایت پرداخته ایم، که موارد آن به صورت ذیل است: اهمیت علم و علم‌آموزی، دانش سبب کلی ایجاد عالم است، علم مایه ارزش انسان، ارزش علم، ثواب علم‌آموزی، فضیلت دانش‌آموز، دعا برای طلب علم، مقام معلم و شاگرد، طلبه باید برای خدا درس بخواند.

وسعی گردیده در قالب آیات و روایات به این عناوین بررسی شود.

علم در لغت به معنای نشان دار کردن علامت گذاشتن و درک کردن و به حقیقت چیزی رسیدن نیز معنا شده است.
به آنها یعنی شما به آنها آگاه نیستید، خداوند [1] «...در قرآن کریم آمده است: «... لا تعلمونهم الله يعلمهم ؛ یعنی هرگاه آنها را از زنان مؤمنه ای یافتید. [2] «...آگاه است و «... فَأَنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مَوْنَاتِ

اهمیت علم و علم آموزی

در آغاز حق معلم و استاد لازم است که کمی راجع به ارزش علم از دیدگاه اسلام و قرآن بحث کنیم. ارزش علم برای همه روشن است و هر انسانی فطرتاً علم را دوست دارد و در مقابل علم و عالم، خاضع است، به رسول اکرم خاتم پیامبران در اولین لحظات بعثت و ارتباط او با مبدأ عالم از راه وحی، موضوع علم و خواندن مطرح می شود. «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»؛ (بخوان به نام پروردگارت که آفرید).

مسئله رب، تربیت و مسئله ی خلقت و آفرینش که از مسائل مهم علوم است مطرح می گردد. و به دنبال امر به خواندن، موضوع تعلیم به قلم بیان می شود. «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»^۱. مسئله تعلیم، سواد آموزی، یادگیری، قلم و نگارش و در آخر تعلیم انسان چیزی را که نمی دانست، این موضوع بسیار مهم است که در آغاز وحی، اوج گرفتن انسان به قله مرتفع علم و رسیدن به درجات عالی انسانی و رسیدن به خدا بیان می شود.

قرآن در زمینه علم و دانش وجدان انسان ها را به قضاوت می طلبد:
«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ»^۵؛ (آیا دانایان و صاحبان علم با نادانان که در نادانی به سر

۱ |

1. انفال، آیه 8.

2. ممتحنه/سوره ۶۰، آیه ۱۰-۲

3. سوره علق، آیه 1

4. سوره علق، آیه 4-5

5. سوره زمر، آیه 9

می‌برد مساوی هستند؟ و مسلم است که هرگز نمی‌توان این دو را برابر دانست، همانا این صاحبان عقل و اندیشه‌اند که این مطلب را درک می‌کنند.^۱

دانش سبب کلی ایجاد عالم است.

بدیهی است که خدای متعال دانش را سبب کلی برای آفرینش همه عالم قرار داده و این اندازه از فخر در حق دانش کافی است که خدا در کتاب محکمش از نظر بینایی و یادآوری ارباب معرفت می‌فرماید:

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا»؛^۲ (خدا کسی است که هفت آسمان را ایجاد فرموده، و از زمین مانند آسمان آفریده، و امر خود را میان آنها فرستاده تا بدانید که خدا به هر چیزی توانا است و دانش او به هر چیزی احاطه دارد).

همین آیه بر شرافت علم کافی است.

خداوند متعال دانش را بالاترین شرافت و بزرگ‌ترین عزت برای فرزند آدم قرار داده و نخستین متی که پس از آفرینش، منت نهاده، همان نعمت دانش است.^۳

علم مایه ارزش انسان

«وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ»؛^۴ (به داوود و سلیمان، دانشی عظیم دادیم، و آنان گفتند: «ستایش از آن خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید»).

ارزش علم

^۱. ص 278

^۲. سوره طلاق، آیه 12

^۳. منیه المرید، ص 3

^۴. سوره نمل، آیه 15

4. اگر استاد به وظیفه عمل کند همچون امانت‌داری است که در حفظ امانت جدی و کوشا در نتیجه استاد باید در را آموزش دانش‌آموز و دانشجو شیوه‌ی نیک و پسندیده‌ای را انتخاب کند که باعث تشویق و ترغیب آنان نسبت به دانش شود. بد اخلاقی، تندخویی و عصبانیت استاد سبب می‌شود که دانشجو از کلاس گردد و چه بسا سبب ترک تحصیل او گردد و در واقع با این عمل ناشایسته استاد نسبت به دانش و علم خود جنبه احتکارگری پیدا کند و نسبت به آموزش شاگردان بخل ورزد.¹

حقوق شاگرد

آداب و وظایف شاگرد نسبت به معلم خود

1. باید استاد را عنوان پدر واقعی و روحانی تلقی کرد.

دانشجو باید بر این اساس بیندیشد که استاد و معلم او پدر واقعی و روحانی وی و خود او به منزله‌ی فرزند روحانی او است. پدر و فرزند روحانی از پدر و فرزند جسمانی با ارزش‌تر است. بنابراین دانشجو باید از اداء حق اُبُوَّت و وفاء به حقوق تربیت استاد به شدت ساعی و کوشا باشد و بیش از دیگران به او احترام گذارد.²

2. استاد را باید به عنوان پزشک معالج جان و روان برشمرد.

شاگرد و دانشجو باید با این اعتقاد به خویشتن بنگرد که او فردی مبتلا به بیماری نفسانی است زیرا مرض و بیماری عبارت از انحراف جسم و مجرای طبیعی است. شخصیت آدمی فطرتاً بر اساس سلامت روان و علم و بینش سرشته و استوار شده است. علت انحراف روح و روان انسان از مجرای طبیعی و عامل گرایش او از مسیر علم و دانش و دین، عبارت از غلبه و تسلط و عدم تعادل اخلاط و مزاج قوای بدنی است.

¹. حقوق از دیدگاه امام سجاد (علیه السلام)؛ شرح رساله‌ی حقوق، قدرت الله مشایخی

². آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ص 366

در حکم و امثال آمده است: «مَرَجَعُ الْمَرِيضِ طَبِيبُهُ يُوحِبُ تَغْذِيَهُ»؛ (رفت و بازگشت و درگیری و مخالفت بیمار با پزشک خود، موجب شکنجه و آزار و زیان به خود او می‌گردد).

3. تواضع و فروتنی در برابر استاد

باید دانشجو فزون‌تر از آن مقداری که مأمور به تواضع و فروتنی نسبت به علماء و دانشمندان، درگیر اصناف مردم است، در برابر استاد خود متواضع و فروتن باشد. او باید در برابر مقام علم و دانش نیز اظهار خاکساری کند تا در سایه‌ی این فروتنی و خاکساری به علم و معرفت دست یابد.

خضوع شاگرد در برابر استاد، افتخاری است برای او و تواضعش موجب رفعت و بلندپایگی او می‌گردد. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: دانش را بیاموزید. به خاطر آن آرامش و متانت و رقرار را فرا گیرید. و در برابر کسی که دانش را از او می‌آموزید فروتنی و خاکساری کنید.^۱

4. عدم تکرار سؤال‌های فرساینده و تلف کننده فرصت

سزاوار نیست شاگرد، راجع به مطالبی که آنها را می‌داند، سؤال و پرسش خود را درباره آنها تکرار نموده و نکاتی را که قبلاً آنها را باز یافته بود راجع به آنها از استاد، توضیح مکرر را درخواست کند زیرا تکرار سؤال و اعاده‌ی درخواست توضیح، باعث اتلاف وقت و با احیاناً موجب دلسردی و افسردگی خاطر استاد می‌شود. یکی از بزرگان سلف می‌گوید: «إِعَادَةُ الْحَدِيثِ أَشَدُّ مِنْ تَقْلَالِ الصَّخَرِ»؛ (دوباره گویی حدیث و سخن از جابه‌جا کردن تخته سنگ‌های سنگین گران‌تر و طاقت فرساتر است).^۲

5. نباید از سؤال و پرسش به خاطر شرم و حیاء دریغ وریزد

شاگرد نباید در مورد مسائل و مشکلات پیچیده‌ی علمی از پرسش نمودن احساس شرم و حیاء کند بلکه باید با کمال جرأت و شهامت از استاد خود در مورد آن مسائل توضیح کامل درخواست کند.

^۱. آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ص 370

^۲. کنز العمال، ج 10، ص 141

^۳. تذکره اسامع، ص 105

امام صادق (علیه السلام) فرمود: (دانش دینی و بینش الهی همچون خانه که بر آن قفل نهادند، کلید این قفل عبارت از سؤال و پرسش است).^۱

6. ایجاد آمادگی برای سرعت انتقال در فهم سخن استاد

باید ذهن شاگرد در جهت خواسته‌های استاد و در محضر او آنچنان دارای آمادگی باشد که اگر به وی دستوری دهد و یا راجع به مطلبی از او پرسش کند و یا به چیزی اشاره نماید در اطاعت از امر استاد و پاسخ به پرسش‌ها و انجام خواسته‌های او آنچنان مهیا و حاضر الذهن باشد که استاد را به تکرار مطلب و اعاده‌ی سخن وادار نکند.

7. نادیده گرفتن سبق لسان و لغزش زبان استاد.

اگر استاد دچار سبق لسان گشت و زبانش به تحریف کلمه‌ای شتاب گرفت و به علت جابه‌جا شدن حروف کلمه واژه و تعبیری از زبان او خارج شد که دارای توجیه و مفهوم مستهجن و زننده‌ای بود نباید عکس العمل شاگرد در برابر اینگونه لغزش زبانی استاد، خنده و استهزاء باشد و به دیگران در مورد سبق لسان استاد چشمک بزند.^۲

آداب و وظایف شاگرد در دانش آموختن

1. انتخاب روز و ساعت ویژه برای آغاز درس

شاگرد باید درس خود را در ساعات نخستین بامدادان قرار دهد چون در حدیث آمده: «بورك لِأَمْتی فی بُكُودِها»^۳؛ (ساعات نخستین بامدادان به عنوان لحظات مبارک و پربرکتی برای امت و پیروان من قرار داده است).

^۱. منیه المرید، ص 114؛ الکافی، ج 1، ص 49

^۲. آداب تعلیم و تربیت، ص 397

^۳. مفتاح الوسائل، ج 1، ص 184؛ در تفضیل وسائل الشیعه، حدیث 9707

و نیز در حدیث دیگری می‌بینیم که رسول اکرم می‌فرماید: (در لحظات صبحگاهی جویای دانش باشید زیرا من از پروردگار خویش درخواست نمودم که صبحگاهان را لحظات خیر و برکت و فزونی و سعادت برای امتم قرار دهد).^۱

2. رعایت آداب ورود به جلسه درس

آنگاه که شاگرد وارد جلسه درس استاد می‌گردد باید با صدایی رسا که به گوش همه‌ی حاضران جلسه می‌رسد به آنها سلام و تحیت گوید. و سلام و درو گرم‌تر و صمیمانه‌تری را اختصاصاً به استاد تقدیم دارد.^۲

3. نباید محل جلوس دیگران را اشغال کرد

شاگرد نباید مزاحم هیچ یک از شرکت کنندگان جلسه‌ی درس گردد و نیز نباید متوقع باشد و ترجیح دهد که کسی از جای خود برخیزد و آن را به او پیشکش کند. و اگر کسی هم حاضر به این امر شد موظف است، تسلیم تعارف او نشود و به جای او در آن مکان ننشیند چون پیامبر گرامی اسلام انسان را از چنین عملی نهی کرده و فرموده است: نباید کسی را از جای خودش بلند کرد تا خود در آنجا بنشینند و نیز اضافه فرمود: (مجلس را برای واردین، گشاده و گسترده سازید)^۳ تا فرد تازه وارد جلوس خود جا و مکانی بیابد.

4. نباید به هنگام جلوس، میان دو فرد مأنوس، جدائی انداخت.

شاگرد نباید - به منظور انتخاب جا و مکان نشستن - میان دو برادر و یا میان پدر و پسر و نیاز میان دو فرد نزدیک و خویشاوند و یا میان دو یار محب و دوستدار یکدیگر جز با رضای خاطر و تمایل آنها جلوس کند چون پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از نشستن میان دو فرد مأنوی با یکدیگر به استثنای مواردی که طرفین اجازه دهند - نهی فرموده است.^۴

^۱. کنز العمال، ج 10، ص 251

^۲. آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ص 430

^۳. مسند احمد بن حنبل، ج 2، ص 17

^۴. حسن ابی داوود، ج 2، ص 186

5. عدم مداخله و مشارکت در سخن دیگران

هیچ شاگردی اخلاقاً حق ندارد، ضمن گفت و گوی شاگرد دیگر، یعنی شاگردی که با استاد، سرگرم گفت و گو است با او همصدا و همزبان گردد و در سخنان آن دو شرکت نماید. به خصوص او حق ندارد ضمن بحث و مذاکره استاد نیز در ایراد مطلب با او هم آواز گردد.¹

یکی از حکماء می‌گوید: (ادب و نزاکت ایجاد می‌کند که انسان در سخنان و گفتار استاد و یا هر کس دیگری مشارکت و دخالت نابجا نکند، اگرچه دارای اطلاع و آگاهی فزون‌تری نسبت به آن سخنان باشد).²

نتیجه‌گیری:

همانگونه که از آیات و روایات فهمیده می‌شو علم به طور فطری نزد انسان ارزشمند است.

به گونه ای که سر آغاز اولین ارتباط پیامبر با خدا در بارهی علم بوده است، و سبب کلی آفرینش عاتم علم است. برای حفظ هر چیز د باید آدابی را رعایت کرد، و رعایت حقوق استاد و شاگرد از ملزومات است. معلم پدر روحانی است که غذای فکری و روحی را در اختیار شاگرد می‌گذارد، بدین جهت احترام او بر شاگرد لازم است، باید گفت که بی تردید شاگرد، والاترین و بهترین برادر و بلکه هارجمندترین فرزند معلم است و بر وی حقوقی لازم الاجرا دارد، به واسطه رعایت این حقوق متقابل علم به نتیجه که همان هدایت انسان است می‌رسد.

¹. آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ص 436

². تذکره السامع، ص 156